

## بررسی ضعف‌ها و راهکارهای برنامه‌ای و متنی فلسفه و کلام

حمید رضا آیت‌اللهی

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

با توجه به نگاه ویژه ایرانیان به تفکر فلسفی و مبانی دینی اندیشه‌هایشان، وا‌کاوی برنامه‌های آموزش و پژوهش در این حیطه نیاز جدی جامعه ما خواهد بود. این بررسی‌ها نه تنها باید نیازهای جامعه را برآورده سازد، که تحول و پویایی جریان اندیشه‌ورزی در جامعه ما تأکیدی مضاعف بر بازنگری نوبه‌نو در آن است. با این نگرش وا‌کاوی برنامه‌های آموزشی فلسفه و کلام در آموزش عالی کشور که با ضعف‌هایی مواجه است و ارائه راهکارهایی برای برطرف کردن آن وجهه‌همت این مقال قرار گرفته است. متناسب با این ضعف‌ها متون مورد استفاده برای آن برنامه‌ها نیز کاستی‌هایی دارد که به ناکارآمدی آنها انجامیده است.

ذیلاً محورهایی ارائه می‌شود که ضمن بازنمودن ضعف‌ها، به راهکارهایی برای تحول و پویایی برنامه‌ها و متون مورد استفاده اشاره می‌گردد:

### ۱- تفصیل اهداف آموزشی مقاطع و رشته‌های درسی و تک‌تک واحدهای درسی و ارائه راهکارهای متناسب برای برآوردن اهداف.

در برنامه‌های درسی دانشگاهها دروسی گنجانده شده است که متخصصان آن رشته نیاز آن را برای دانشجویان تشخیص داده‌اند. اما برخی از استادان از هدف ارائه آن درس آگاهی ندارند. ضرورت دارد اهداف هر درس در دو سطح به استاد مربوطه نموده شود. در سطح اول نیاز تفصیلی (در حد نیم تا یک صفحه) که ارائه درس می‌خواهد آن را برآورده کند. در سطح دوم باید مشخص گردد این درس در محدوده کلان آن رشته چه بخشی از نیاز مجموعی جامعه به آن رشته را می‌خواهد برطرف کند. متأسفانه برخی از شرح‌دروس فاقد این برآورد هستند و در برخی دیگر نیز توضیحات ارائه شده از حد یک جمله کوتاه فراتر نمی‌رود. نهایتاً استادان دروس نیز با این نیاز سنجی‌ها آشنایی ندارند. این مساله بدانجا انجامیده است که هر استادی بنا بر تشخیص غیر کارشناسی شده خود به انتقال برخی معلومات به دانشجویان خود اقدام می‌کند که گذشته از آنکه نیازهای جامعه در آن درس برآورده نمی‌شود بلکه دانشجویان صرفاً محفوظاتی فرا می‌گیرند که هم آنها و هم جامعه‌شان با آن بیگانه است.

### ۲- بررسی میزان برآورده شدن اهداف و کاستی‌های آن و بازخور اهداف و راهکارها

در صورتی که نیازهای تفصیلی دوگانه فوق تعیین و ابلاغ گردد، در آن صورت ارزشیابی های آموزشی به خوبی می تواند در خصوص کارآیی دروس و استاد مربوطه و متون مورد استفاده به قضاوت بنشیند، و این بازخور ها به تحول و پیشرفت مداوم سیستم آموزشی دانشگاهی یاری می رساند. اما به علت کم رنگ بودن ارائه آن اهداف، ارزیابی مفیدی نمی توان از دروس داشت. همین امر موجب شده است که مرتب پرسش می شود دانشجویان چرا بعد از فارغ التحصیلی نمی توانند واجد شغل و جایگاه اجتماعی مناسبی متناسب با آموخته هایشان در دوران دانشگاه شوند. چون نه او می داند برای چه آن همه مطلب را یاد گرفته است و نه برای برآوردن آن نیازهای جامعه تربیت شده است.

### ۳- مقایسه اهداف و برنامه ها و محتوای درسی با نیازهای متغیر جامعه و تدوین

#### برنامه و متون متناسب با آنها

ذکر اهداف دروس و تنظیم برنامه ها و محتوای آنها نمی تواند کارآیی ثابتی داشته باشد چرا که نیاز های جامعه با تحول های شتابانی که در شرایط جامعه ایرانی و همچنین جامعه جهانی ایجاد می شود مقایسه مداوم برنامه ها را با نیازها می طلبد. اگر برنامه های درسی زمانی در تحلیل و ارزیابی نگرش فلسفه تاریخی مارکسیسم راهگشا می بود شاید اکنون به مسائلی همچون جهانی شدن و غیره باید متمرکز گردد. لذا تاکید می گردد نیاز سنجی مداوم برای تحول در دروس و برنامه های درسی یکی دیگر از کاستی های نظام آموزشی فلسفه و کلام جامعه ماست.

### ۴- پویا ساختن برنامه های درسی آموزشی از طریق مشارکت فعال و مداوم

#### مجریان

متأسفانه برنامه های درسی فلسفه و کلام پس از یک سری بازنگری هایی که در ایام انقلاب فرهنگی شده بود دیگر تغییر و تحول جدی نیافته است. در صورتی که پویایی برنامه ها از نیازهای فوری جامعه ماست. در جهت پویا ساختن برنامه ها، یک نگاه سنتی هنوز بر این عقیده است که تعدادی محدود از برنامه ریزان یا پیش کسوتان (ستادی) بر اساس نگاه خویش به تغییر در برنامه ها بپردازند. واضح است بسیاری از واقعیت های اجرایی (صف) فرا چنگ این افراد نخواهند آمد. لذا مشارکت فعال و مداوم مجریان یکی از ضرورت های پویا سازی برنامه های درسی است

### ۵- بومی ساختن منابع و برنامه های درسی تدریس شده در دانشگاهها با توجه به

#### فرهنگ ایرانی اسلامی

برنامه های تدوین شده برای دروس فلسفه و حتی کلام یا مستقیماً برخاسته از ذخایر فکری جامعه ماست و هیچگونه ارتباطی با سایر حوزه های فکری ندارد و یا برگرفته از اندیشه غربی (مثل ترجمه های فراوان این منابع از کتابهای غربی) بدون کنکاش در شرایط فرهنگی رشد و بسط آن تفکر است. نظر به اینکه نگرش های جدید جاذبه هایی برای دانشجویان دارد، و احساس یافتن افق های نو در مواجهه با برخی مسایل برای آنها جذاب است لذا بدون توجه به ریشه های ناپیدای فرهنگ غربی نوعی غرب باوری در اندیشه های آنان شکل می گیرد که خود به بیگانه شدن آنها و آموخته هایشان با فرهنگ جامعه شان خواهد گردید، و همین امر از کارآیی آنها در جامعه می کاهد. ضرورت دارد ضمن پرهیز از

استفاده مستقیم و طابق النعل بالنعل از کتاب های غربی ترجمه شده، هرگونه مطلبی با کنکاش در زمینه های فرهنگی آن اندیشه ها و مهمتر از همه عرضه دیدگاه خاص ایرانی اسلامی ما همراه باشد. بومی ساختن دروس ارائه شده در فلسفه و کلام یکی از ضرورت های فوری فعلی جامعه ماست.

#### ۶- همکاری های جمعی در تالیف متون درسی بجای تالیف کتابهای تک مولفی

نگرش سنتی دیگری وجود دارد که متون درسی باید از یک اثر جامع و تفصیلی که توسط یک فرهیخته به رشته تحریر درآمده باشد برگرفته باشد. این نوع نگرش با توجه به گسترش علوم و تنوع بسیار تخصص ها دیگر در دنیا منسوخ شده است. همکاری جمعی در تدوین متون درسی که از همکاری بین متخصصان شاخه های مختلف نشأت گرفته باشد بهره وری آثار ارائه شده را افزون خواهد کرد.

#### ۷- ایجاد تعامل فعال بین برنامه های موسسات مختلف و مدرسان برنامه های فوق

یکی دیگر از کاستی های برنامه های درسی دانشگاهها تنوع رویکردهای استادان و دانشگاههای مختلف است. هر استاد یا دانشگاهی بر مساله خاصی تاکید می ورزد که در مواردی شاید اصلا مورد توجه سایر همکاران و استادان نباشد. از آنجا که ارائه مطالب درسی در محیط بسته کلاس انجام می شود و غیر از دانشجویان و استاد از محتوای مطالب ارائه شده اطلاعی ندارد (برخلاف کتاب و مقاله که در معرض اندیشه ورزی جامعه قرار می گیرد) لذا تفاوت های مطالب ناشناخته خواهد ماند. دانشجویان نیز درون سیستم هستند و نمی توانند قضاوتی بیرون از سیستم داشته باشند. همین تفاوت ها به تکرر روزافزون محتوای دروس می انجامد. نویسنده این تکرر و اختلاف ها را به شدت در زمان طرح پرسش های آزمون های کارشناسی ارشد مشاهده کرده است، بگونه ای که به سختی می توان تمرکزی برای تدوین آزمون ها یافت. لذا ارائه راهکارهایی برای ایجاد تعامل فعال بین مدرسان از اولویت های برنامه های دانشگاههاست. به نظر می رسد با افزایش هسته های آموزش فلسفه و کلام در آینده در این خصوص با وا گرای بیشتری مواجه خواهیم شد و احتمالا با بحران هایی برای آموزش و دانش آموختگان این رشته ها در جامعه مواجه خواهیم شد. به نظر می رسد در اولین قدم روش هایی باید جست تا حداقل اطلاع رسانی مناسبی از محتوا، روش و متون استادان دروس یکسان انجام پذیرد و سپس در جهت هم گرایی فعالیت ها اقداماتی نظیر نشست های دوره ای صورت پذیرد.

#### ۸- اطلاع رسانی مناسب از فعالیت های آموزشی و برنامه ای در دانشگاه های مختلف دنیا

گذشته از ضرورت همیاری دست اندرکاران آموزش فلسفه و کلام در داخل، نظر به اهمیت درک متقابل اندیشه ورزی جامعه ما و سایر حوزه های فلسفی، ضرورت دارد بطور مداوم برنامه های سایر دانشگاه های مهم دنیا مورد بررسی قرارگیرد. روش های آموزشی و محتواها و برنامه ها و رویکردهای مختلف زمینه ای ایجاد می کند تا هم، هم سخنی بیشتری با سایر حوزه های اندیشه داشته باشیم و هم با بهره بردن از تجربه های دیگر جوامع، در باروری و رشد برنامه ها و متون و نحوه تدریس خود پویایی بیشتری ایجاد کنیم. توقع مراکز اندیشه ورزی در دنیا (مخصوصا جوامع اسلامی) از تحرک و نشاط و فعالیت

فکری ایرانی-اسلامی آنچنان زیاد است که حتی می توان در خصوص ایجاد مرکزی برای اطلاع رسانی و همفکری بین متفکران جوامع گوناگون در داخل کشور به جد اندیشید.

## ۹- تعامل فعال با سایر مراکز علمی دنیا چه از طریق نامه نگاری های مستمر یا ملاقات های دوجانبه استاد و دانشجو

تجربیات موفق همایش های بین المللی، از تاثیر بسیار ملاقات های رودررو و فرد با فرد حکایت می کند. علاقه وافر اندیشمندان برای برگزاری نشست های علمی و اهمیت لابی های علمی و صرف هزینه ها و زحمات بسیار برای شرکت در همایش هایی که در سایر کشور ها برگزار می گردد به ضرورت تعامل با سایر اندیشمندان اشاره دارد. ایجاد بستری مناسب برای اینگونه ارتباطات چه در سطح استاد و چه در سطح دانشجویان در خلاقیت و خودباوری و تعمیق فعالیت های علمی نظام آموزشی ما موثر خواهد بود.

## ۱۰- ایجاد روحیه خلاقیت و حضور جدی در حوزه های فکری مختلف دنیا با تاکید بر تاثیر گذاری نه تاثیر پذیری

متأسفانه روند اشتیاق به دانستن سیر اندیشه و تحول آن در دیگر جوامع با ترجمه کتاب های روز دنیا جریان تعامل اندیشه ها را یکسویه نموده است و حضور دیگران را در جامعه ما جدی ولی حضور ما را در دیگر جوامع کم رنگ کرده است. باید درباره برنامه هایی اندیشید که حضور ما را در حوزه های فلسفی کلامی دیگر جدی تر کرده و راهکارهای اساسی ما را در ارائه اندیشه قویم بشری مورد توجه و عنایت قرار داده و در نهایت تاثیر گذاری های ما را بر ساختار فکری نظام های فکری دنیا به حد اکثر برساند.

## ۱۱- تاکید بر پژوهش در آموزش دانشجویان بجای انتقال صرف مطالب از استاد به دانشجو و ارائه راهکارهای پرورشی بجای تاکید بر راهکارهای آموزشی

یکی از ضعف های برنامه آموزشی دانشگاه ها (و همچنین دبیرستان ها) توجه بیش از اندازه به انتقال صرف اطلاعات از استاد به دانشجو است. آشنایی با تاریخ فلسفه و بیان دیدگاههای این یا آن فیلسوف همت اصلی دانشجو و استاد شده است. اما فلسفیدن و اندیشه ورزی و بالا بردن توان ذهنی دانشجویان محور فعالیت دانشگاه های ما نیست. واضح است کسی که فقط دایره المعارفی از اطلاعات فلسفی دارد در اولین حضور خود در جامعه به ناتوانی خود در برآوردن نیاز جامعه واقف می شود. محور فعالیت فعلی دانشگاهها آموزش است نه پرورش. برنامه ها و متون درسی و روش استادان کمتر پرورش فلسفی کلامی دانشجویان را وجهه همت خود قرار داده است. بدیهی است ارائه برنامه های پرورشی کار مشکلی است ولی غلبه بر این مشکل برای افزایش کارایی نظام آموزشی ما ضرورت فوری جامعه ماست.

## ۱۲- اطلاع رسانی کامل از وضعیت رشته مورد نظر در جامعه ایرانی و جهانی و آشنا ساختن دانشجویان با مراکز مرتبط و انواع اشتغال از طریق ارائه اطلاعات کامل از فعالیت های متناسب با آن رشته

یکی از روش‌هایی که می‌تواند نگرانی‌های دانشجویان را از یافتن فرصت‌های شغلی در جامعه برطرف کند شناخت تفصیلی از موقعیت رشته‌های تحصیلی در کشور و زمینه‌های فعالیت در آنهاست. متأسفانه اینگونه اطلاعات پس از چندین سال تماس با تک‌تک مراکز فعالیت فلسفی کلامی در ایران به تدریج بدست می‌آید و کسی که فرصت اینگونه تماسها را نداشته باشد همواره از این شناخت محروم خواهد ماند. اگر این اطلاعات جمع شده و بصورت مدون در اختیار علاقمندان قرار گیرد ارتباط بین دانش‌آموختگان و مراکزی که به این خدمات نیاز دارند تسهیل می‌شود.

### ۱۳- ایجاد ارتباطات بین رشته‌ای از طریق مشارکت اساتید و دانشجویان رشته

#### های مختلف در طرح‌های مشترک

در سالیان اخیر در سطح جهانی به فعالیت‌های میان رشته‌ای توجه ویژه‌ای شده است. از طرف دیگر جامعه ما به این نوع اندیشه ورزی نیاز روز افزونی یافته است. همین تحول جهانی و داخلی به ضرورت تعامل بین فلسفه و اغلب رشته‌های دیگر تاکید می‌ورزد. این تعامل می‌تواند از طریق مشارکت اساتید و دانشجویان رشته‌های گوناگون در طرح‌های مشترک انجام پذیرد. همچنین عرضه‌ی زمینه‌های مورد نیاز جامعه می‌تواند شتاب بیشتری را در تاثیر گذاری فلسفه در جامعه داشته باشد.

### ۱۴- ارائه برنامه‌های فعال برای ارتباط دادن نیازهای جامعه و دانشجویان

نیاز سنجی جامعه و ایجاد ارتباط بین نیازهای جامعه و فعالیت علمی دانشگاهها توسط گروههای کاری، حضور دانش‌آموختگان را در جامعه تسریع می‌بخشد. لازم است گروههایی که بتوانند نیم‌نگاهی به دانشگاه و نیم‌نگاهی به نیازهای جامعه داشته باشند همواره در راه ارتباط فعال بین این دو پیشنهادهایی ارائه کنند.

### ۱۵- تغییر نگرش تدوین برنامه و ابلاغ از بالا به نگرش محوریت اساتید و محققان

#### و روحیه هماهنگ سازی بین آنها

یکی از مشکلات نظام دانشگاهی ما نگرش متمرکز و ابلاغ از بالاست که بحمدالله در این چند ساله به سمت استقلال دانشگاهها سوق پیدا کرده است. ولی این تحول در ساختار اداری دانشگاههای ما به وقوع نپیوسته است. در دیگر نقاط دنیا محور اصلی دانشگاه، استاد است و نظام اداری (برخلاف نظام اداری سایر دستگاههای اداری) تمام همت خود را مصروف تامین ایده‌های اساتید می‌کند. در حالی که در دانشگاههای ما این نظام اداری است که می‌خواهد جهت‌گیری فعالیت اساتید را مشخص کرده و استاد را در پیچ و خم بوروکراسی خود تحت سیطره‌ی خویش درآورد. این نگرش مدیریتی باید به نگرشی تغییر یابد که وجهه‌ی همت خود را هماهنگی بین فعالیت اساتید می‌داند. نخبگان مدیریت ناپذیر هستند و جامعه‌ای پیشرفت می‌کند که این واقعیت را با جان و دل بپذیرد و فقط به هماهنگی بین این مدیریت ناپذیران اعتقاد داشته باشد.